

## بخیل بر مردمان، خدمتگزار ستمکاران

مجموعه‌ای از سخنان امام موسی کاظم (ع)

- اهل زمین تا زمانی که یکدیگر را دوست بدارند و امانت را باز دهند و به حق عمل کنند، مشمول رحمت خدایند. (ترجمه الحیاء، ج ۳، ص ۱۵۵)
- همانا خداوند پاداشی نیک دارد که برای سه کس اندوخته است: پیشوای دادگر، مؤمنی که دست برادرش را در مال خود باز بگذارد و کسی که در [برآوردن] نیاز برادر مؤمنش بکوشد. (میزان الحکمه، ۳۱۶)
- مؤمن با چیزی برتر از «مواسات» نسبت به [برادران] مؤمن، به خداوند عزوجل نزدیک نشده است، و این همان سخن خدای متعال است که «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.» [سوره آل عمران، ۹۲] (میزان الحکمه، ۵۴۵)
- («مواسات» به معنای یاری کردن، و انصاف ورزیدن و مشارکت دادن برادران در زندگی و معیشت خویش است.)
- [شخصی نزد امام کاظم (ع) آمد و از امام حسن (ع) نقل کرد که در برآوردن حاجت سائلی چنین فرموده که «گام برداشتن در راه رفع حاجت مؤمن تا بدانجا که آن حاجت روا شود، از اعتکاف دو ماه متوالی در مسجد الحرام در حالی که روزه داری بهتر است.» امام کاظم (ع) فرمود: چنین است،] و از اعتکاف همه عمر نیز بهتر است. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۴۷۲)
- هیچ چیز به اندازه دیدار برادران از یکدیگر به خاطر خدا، ابلیس و سپاه او را درهم نمی‌کوبد. (میزان الحکمه، ۸۱۳۰)
- بیرهیز از بخل ورزیدن [به چیزی که] در راه طاعت خدا [می‌توانی صرف کرد]، که [لاجرم] دوچندان آن را در معصیت خدا هدر خواهی داد. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۳، ص ۲۴۷)
- از واجب‌ترین حقوق برادرت این است که چیزی را که برایش سودمند است از او پوشیده نداری، نه از امور دنیایش نه از امور آخرتش. (ترجمه الحیاء، ج ۲، ص ۵۲۱)
- يك عالم نیک‌فهم در دین، که یتیمی از یتیمان ما را - یعنی آنان که ما را ندیده‌اند - با آموختن آنچه بدان نیازمند است نجات دهد، برای ابلیس سخت‌تر و هولناک‌تر از هزار عابد است؛ زیرا که عابد همه در بند شخص خویش است، ولی عالم نگران دیگر بندگان خدا نیز هست تا آنان را از چنگ ابلیس و پیروان سیاهکار او برهاند. از این رو او در نزد خدا بر هزار مرد عابد و هزار هزار زن عابد ترجیح دارد. (ترجمه الحیاء، ج ۲، ص ۴۹۸)
- باید امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه نابکاران شما زمام کارهایتان را به دست می‌گیرند و در این صورت دعاهای نیکانتان نیز مستجاب نخواهد شد. (میزان الحکمه، ۱۲۸۶۵)
- هر کس از راه حلال برای خود و خانواده‌اش روزی فراهم آورد، همچون مجاهد در راه خدای عزوجل است؛ و اگر از عهده [این کار] بر نیاید، قوت عیال خود را از بیت‌المال وام گیرد؛ و اگر بمیرد و آن وام را ادا نکرده باشد، بر امام است که آن را ادا کند و اگر این کار را نکند بار [مسئولیت] آن بر او است. خدای عزوجل فرموده است: «صدقات [=زکات]، تنها به تهیدستان و

- بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و دلجویی شدگان، و [استفاده] در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و [هزینه] در راه خدا، و به در راه مانده اختصاص دارد»، و آنکه هزینه زندگی ندارد فقیر و بینوا و وامدار است. (ترجمه الحیاة، ج ۲، ص ۵۵۶)
- [امام کاظم (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمود: [ هر که به واسطه [گفتن یا ارتکاب] آنچه مورد خشم خداست سلطانی را خشنود کند، از دین اسلام خارج شده است. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۵۰۲)
- [امام کاظم (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمود: [ چون قیامت فرا رسد آوازدهنده ندا دهد که «کجایند ظالمان، و باری کنندگان ظالمان؟ کسی که ليقه‌ای در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه‌ای برای ایشان بسته یا یک بار برای ایشان قلم به دوات زده است، همه را با آنان محشور کنید.» (مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۵۰۲)
- هر که [...] علمی [مفید] را پنهان کند، یا مالی را به ظلم نگاه دارد، یا ستمگری را در ستمش یاری رساند در حالی که می‌داند او ستمگر است، همانا از اسلام خارج شده است. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۵۰۱)
- [صفوان جمال می‌گوید: [ روزی نزد موسی بن جعفر (ع) رفتم؛ به من فرمود: «ای صفوان! همه چیز تو نیکو و زبینه است مگر يك چیز.» گفتم: «فدايت شوم، آن کدام چیز است؟» فرمود: «کرایه دادن شترانت به این مرد (یعنی هارون)» گفتم: «از روی هوس و سرکشی و برای انجام شکار و کار لهو به او کرایه ندادم، بلکه برای این راه، یعنی راه مکه، چنین کردم. خود من نیز سرپرستی این کار را به عهده نمی‌گیرم [و با او نمی‌روم]، بلکه کارکنانم را با او می‌فرستم.» فرمود: «ای صفوان! آیا پرداخت کرایه به عهده آنان نیست؟» گفتم: «چرا، فدايت شوم!» فرمود: «آیا باقی ماندن ایشان را تا زمان گرفتن کرایهات دوست می‌داری؟» گفتم: «آری.» فرمود: «هر کس بقای ایشان را دوست داشته باشد از ایشان است، و هر کس از ایشان باشد، اهل دوزخ است.» (مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۴۱۹)
- کسی که برادرش برای رفع گرفتاری یا حاجتی به او پناه ببرد و او بتواند پناهش دهد اما چنین نکند، بی‌گمان رشته پیوند با خدای عزوجل را بریده است. (میزان الحکمه، ۳۱۷)
- یاری رساندن تو به آن که ضعیف است از برترین صدقات است. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۳، ص ۲۵۰)
- کار نیکی که برای مؤمنی انجام شود جز با سه چیز نیک به شمار نمی‌آید: کوچک شمردن آن، پنهان داشتن آن و شتاب‌ورزیدن در آن. (ترجمه الحیاة، ج ۶، ص ۷۵)
- هر مؤمنی برادر مؤمن دیگر است، درست همانند برادری تنی از پدر و مادر خودش. ملعون است کسی که به برادرش تهمت بزند، ملعون است کسی که برادرش را فریب دهد، ملعون است کسی که برای برادرش خیرخواهی نکند و ملعون است کسی که برادرش را غیبت کند. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۴۶۷)
- [هشام بن حکم می‌گوید: [ من در مکانی که کم نور بود لباس می‌فروختم. روزی امام کاظم (ع) بر من گذشت و به من فرمود: «ای هشام! فروش در مکان کم نور، غش [= فریب] است، و غش حلال نیست.» (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۵۶۸)
- سخاوتمندِ خوش خُلق در حمایت خداست؛ خداوند رهایش نمی‌کند تا او را به بهشت درآورد، و خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر آنکه سخاوتمند بود. پدرم تا آن هنگام که درگذشت همواره مرا به سخاوت و خوش خلقی سفارش می‌نمود. (مسند امام کاظم (ع)، ج ۳، ص ۲۴۹)

- در روز قیامت آواز دهنده‌ای ندا در دهد که: «هان! هر که بر عهده خدا او را پاداشی است برخیزد»؛ پس بر نخیزد مگر آن کس که [در زندگی] دیگران را عفو کرده و آشتی داده باشد، که اجر او با خداست. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۴۹)
- در دین خدا نیک‌فهم شوید، که نیک‌فهمی کلید بینش، و وسیله کامل کردن عبادت است؛ [...] و آنکه دین خدا را نیک بفهمد، برتری‌اش بر شخص عابد [بدون بینش] همچون برتری خورشید است بر ستارگان، و آن کس که در پی نیک‌فهمی در دینش بر نیاید خداوند از هیچ عمل او راضی نمی‌شود. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۴۹)
- هر که امروز و فردایش یکسان باشد زیان‌دیده است، و هر که فردایش بدتر از امروزش باشد محروم از رحمت است. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۵۱)
- بکوشید که اوقات‌تان در چهار کار بگذرد: ساعتی برای مناجات خداوند، و زمانی برای کسب معاش، و هنگامی برای همنشینی با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسانند و در باطن با شما خالصند، و ساعتی برای برآوردن نیازها و کسب نشاطی که حرام نیست، و [بدانید که بهره‌گیری از] این ساعت شما را در [بهره‌مندی از] دیگر ساعات توانا می‌سازد. به خویشتن نه وعده فقر دهید و نه طول عمر، که هر کس بسیار به فقر بیندیشد، بخل پیشه کند، و هر که به خود وعده عمر طولانی دهد، حرص ورزد.
- با فراهم آوردن نیازهای زندگی خویش از راه حلال، چنان از دنیا بهره‌برید که نه به [عزت و] جوانمردی شما آسیبی رسد و نه دچار اسراف شوید؛ و از این شیوه زندگی برای انجام امور دین یاری جویند که روایت شده «از ما نیست آن کس که دنیایش را برای دینش یا دین خویش را برای دنیایش ترک گوید.» (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۴۸)
- تجربه‌های آدمی برای آموختن و تربیت او کفایت کند، و گذر روزگار [و حوادث ایام] برای پندآموزی بس باشد، [...] و یاد مرگ برای بازاری از گناه و نافرمانی کافی است. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۵۰)
- [بر سر گوری حاضر شد، فرمود: چیزی که آخرش این است سزاوار است که از همان آغاز به آن دل نبندند، و چیزی که آغازش این است شایسته است که از فرجام آن بیم برند. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۴۷)
- سزاوارترین دانش برای تو آن دانشی است که عملت جز با آن درست نشود؛ و ضروری‌ترین عمل برای تو عملی است که در برابر آن بازخواست می‌شوی؛ و لازم‌ترین دانش برای تو دانشی است که صلاح و فساد دلت را به تو نشان دهد؛ و نیک‌فرجام‌ترین دانش آن دانشی است که بر عمل تو در این دنیا بیفزاید. پس به دانستن چیزی که ندانستنتش زبانی به تو نمی‌رساند مپرداز [...] (میزان‌الحکمه، ۱۴۲۵۹)
- امام کاظم(ع) به شخصی که [از خدا] طلب مرگ می‌کرد فرمود: «آیا بین تو و خدا خویشاوندی‌ای است که به واسطه آن تو را حمایت کند؟» گفت: «نه.» فرمود: «آیا تو را اعمال نیکی است که برای خویش پیش فرستاده باشی و بر گناهانت افزون باشد؟» گفت: «نه.» فرمود: «پس تو [با تمثای مرگ] هلاکت ابدی را آرزو می‌کنی!» (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۵۱)

□ [در سفارش به هشام بن حکم فرمود: ] خداوند تبارک و تعالی کسانی که اهل تعقل و فهم هستند را در کتابش [توصیف کرده و] چنین بشارت داده: «پس بندگانم را بشارت ده؛ همان کسانی را که به سخن گوش می دهند و آنگاه از بهترین آن پیروی می کنند، اینانند که خداوند هدایتشان کرده است و اینانند که خردمنداند» [سوره زمر، ۱۸-۱۷]

[...] ای هشام، خداوند کسانی که تعقل نمی کنند را نیز نکوهش کرده و فرموده: «چون به آنان گفته شود: "از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید؛" می گویند: "نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم." آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند؟» [سوره بقره، ۱۷۰] و فرموده: «قطعا بدترین جنبنندگان نزد خدا ناشنویان و گنگ‌هایی هستند که تعقل نمی کنند.» [سوره انفال، ۲۲]

[...] ای هشام، نجات و رهایی جز به طاعت نیست، و طاعت به واسطه علم است، و علم به آموختن کسب می شود، و آموختن با تعقل صورت پذیرد.

[...] ای هشام، دنیا به آب دریا می ماند؛ هر چه تشنه‌کام از آن بنوشد تشنه‌تر شود تا سرانجام او را بکشد.

[...] ای هشام، از تکبر بگریز که هر کس به اندازه دانه‌ای کبر در دل داشته باشد به بهشت در نیاید [...] همانا کشت در زمین هموار و نرم روید نه بر سنگ سخت. حکمت نیز چنین است، در قلب شخص متواضع می‌بالد و نه در قلب متکبر گردنفراز، که خداوند تواضع را از اسباب تعقل و دانش قرار داده و تکبر را از اسباب جهل و نادانی.

[...] ای هشام، در بندگان چیزی که برتر از عقل باشد تقسیم نشده است. خوابِ عاقل از شب‌بیداریِ جاهل بهتر است، و خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آنکه اهل تعقل بود، آنچنان که عقلش از [دست‌آورد] همه تلاش‌های کوشندگان برتر بود، و هیچ بنده‌ای نمی‌تواند تکلیفی واجب را به درستی انجام دهد مگر آنکه در آن به خوبی تعقل کرده باشد.

[...] ای هشام، چشمداشت به مردم را در خود بمیران، زیرا طمع و چشمداشت کلید هر خواری است و ربایندۀ عقل و فرسایندۀ عزت و [ جوانمردی است، آبرو را ببرد و دانش [و اندیشه] را زایل کند.

[...] نزدیک‌ترین خیر به پاداش، نیکوکاری است و مکافات ستم از همه کیفرها سریع‌تر آید.

بدترین بندگان خدا کسی است که از هم‌نشینی با او به خاطر زبان بدش اکراه داشته باشند، و آیا مردم را چیزی جز حاصل سخنان [و گناهان زبان‌شان] در آتش افکند؟

و از خوبی دین‌داری انسان ترک امور بیهوده است. (تحف العقول، باب سخنان امام کاظم(ع))

□ در شگفتم از آنان که از خوراک و نوشیدنی‌ای از ترس بیمار شدن می‌پرهیزند، که چگونه از ترس آتشی که در ایشان [و زندگی‌شان] افتد از گناهان نمی‌پرهیزند! (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۵۰)

□ مردی از بنی اسرائیل خداوند را چهل سال عبادت کرد و سپس قربانی‌ای انجام داد اما از او پذیرفته نشد. پس با خویشتن گفت: «این بر تو نرسید جز از خود تو و گناهی نیست مگر برای تو.» پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود که: «این که [نفس] خود را نکوهش کردی از عبادت چهل سالهات برتر است.» (مسند امام کاظم(ع)، ج ۱، ص ۴۸۶)

□ هر گاه کسی از شما بیمار شد به مردمان اجازه دهد که نزد او آیند، زیرا هیچ‌کس نیست مگر آنکه او را دعایی مستجاب است. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۱۵)